



نیازمندان واقعی را فراموش نکنیم

امروزه بحث کار آفرینی و خوداشتغالی در جوامع به شکل جدی تری نسبت به گذشته دنبال می شود. اهمیت این موضوع با بروز تحولاتی چون بحران های اقتصادی، سیاست های اقتصادی در کوچک سازی سازمان ها و حقایق مانند این ها، که باعث بروز پدیده بیکاری می شود، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. جمعیت بزرگی که به اشتغال غیردولتی و یا بدون کارفرما روی می آورند مانند دیگر اقشسار برای حفظ روحیه تولیدی و حفاظت در برابر فرازونشیب های زندگی خود نیازمند قرار گرفتن زیر چتر حمایتی بیمه هستند اما بیمه اختیاری به عنوان چاره پیش رو برای این جمعیت محدودیت های خاص خود را دارد. بیمه ها از جمله تامین اجتماعی برای حمایت از نیروی کار ساماندهی می شوند. براساس شرایط قانونی، افرادی که می خواهند بیمه اختیاری شوند، باید دست کم سابقه ۳۰ روز پرداخت حق بیمه را داشته باشند.

اما درباره بیمه اختیاری بند مهم دیگری هم وجود دارد. براساس این بند مردان بالای ۵۰ سال و زنان بالای ۴۵ سال نمی توانند زیر پوشش این بیمه قرار بگیرند. در صورتی که سن درخواست کننده بیمه اختیاری بیش از این ارقام باشد او باید به ازای هر یک سال سابقه پرداخت حق بیمه در تامین اجتماعی دو سال سابقه داشته باشد، به طور مثال مقضای مردی با سن ۵۳ سال، باید ۶ سال سابقه بیمه داشته باشد. در حالی که سیاست اعلامی، تلاش برای رسیدن به پوشش همگانی در زمینه بیمه است اما این مورد قانونی درباره بیمه اختیاری جمع بزرگی از افراد نیازمند بیمه را از زیر چتر پوششی آن خارج می کند. چرا که مباحث انسانی در این مقوله بیش از پیش مورد توجه است. نکته مهم این موضوع این است که مردان بالای ۵۰ و زنان بالای ۴۵ سال در میان جمعیت های آسیب پذیر جامعه هستند و اتفاقا برای دریافت پوشش های بیمه ای و حمایتی جزو نیازمندترین هایند. اگر بخواهیم داستان زندگی فردی را که به دهه ششم زندگی خود نزدیک شده و بیمه ندارد فرض کنیم احتمالا او را در میان جمعیت روستایی به دور از هر گونه امکانات اجتماعی می یابیم و یا شاید فردی است که به علت رویدادی بزرگ در زندگی اش نیازمند کار و ایستادن روی پای خود شده است. برای بهبود وضعیت این قشرها نیازمند توجه و ساماندهی بیشتری در نهادهای ساختاری هستیم چرا که ممکن است حمایت از نیروی کار سن گذشته، حقوق بیمه ای نیروی جوان کار را محدود کند.

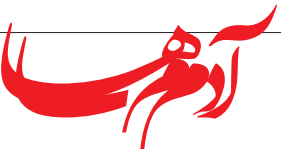
برای لمس دقیق موضوع می توان به سر نوشت واقعی دو شهروند نگاه کرد. شهروندانی که شاید روزی از کنارشان عبور کنیم اما ندانیم که گره افتاده در میان ابروهایشان از سنگینی فشار سوال چگونگی حمل بار زندگی بدون حمایت اجتماعی و بیمه است.

مورد اول زنی ۵۲ ساله است که ناگهان سکان خانواده با از کار افتادن همسر صنعتگرش، که کارگاهی کوچک با درآمدی متوسط داشت، به دستش افتاده است. زن به فروش لباس های صنایع دستی محلی ایرانی در جمعه بازار پارکینگ پروانه در تهران روی آورد. او حالا روحیه اجتماعی خوبی دارد اما معلوم نیست اگر سر نوشت بازی دیگری برایش رقم بزند یا نبود حمایت بیمه ای چه چیزی در انتظار اوست. جامعه ای که چتر تامین اجتماعی بالای سرش گشوده باشد با انگیزه و امنیت روانی بیشتری به سمت رشد حرکت خواهد کرد. در نتیجه ضرورت گشودن این چتر صرف نظر از موقعیت اجتماعی، سن، ملیت و دیگر عوامل استثنایی بیرون ماندن از زیر آن برای همه آحاد جامعه احساس می شود. البته بدیهی است که در چنین مواردی، هزینه های تحمیلی ناشی از بیمه چنین افرادی نباید بر دوش سازمان های بیمه ای افکنده شود و منابعی چون یارانه ها، باید در این زمینه به یاری گرفته شوند تا چتر بیمه بر سر همه افراد جامعه گسترده شود.



قصه زندگی آدم ها

صفحه آدم ها جایی برای قصه گفتن است. می خواهیم در این صفحه هفته نامه آتیه نو، قصه آدم ها را برای شما بگوییم. آدم هایی که همیشه پیرامون ما هستند. آدم های معمولی که مثل مادر کارشان موفق می شوند، شکست می خورند، می برند و می بازند. آدم هایی که مثل ما گریه می کنند، می خندند، شادند و گاهی غمگین! آنهایی که مثل ما عاشق می شوند و برای زندگی می جنگند. قصه آدم هایی که ما باشیم در این صفحه نگارش می شود. شما هم اگر کسی در اطرافتان می شناسید که قصه زندگی اش شنیدنی است به ایمیل heydarian.javad61@gmail.com پیام دهید و بگویید تا قصه او را بنویسیم.



روایت زندگی

۱۰ | آتیه نو

کارگر فداکار

گزارش آتیه نو در آستانه چهلمین روز خاموشی شهرام محمدی، از وضعیت ایمنی کارگران شاغل در تاسیسات نفتی و پتروشیمی ها



شهرام محمدی با پسرش شیر اصلی گاز هگزان، جلوی انفجار پتروشیمی مارون در ماهشهر را گرفت؛ او تنها نمونه ای از کارگرانی است که فداکارانه به خاطر ایمنی پایین محیط کار جان خود را برای بقای دیگران به خطر انداخته اند

کارگران زیر دست دستور رفع مشکل را بدهند. براساس اطلاعاتی که طهماسب غلامزاده به آتیه نو داده است، HSE پتروشیمی مارون بعد از فوت شهرام محمدی پنجمین حادثه خود بعد از راه اندازی را تجربه کرده است. به گفته کارشناسان وقتی حوادث در یک واحد مشخص در حال تکرار است، یعنی مشکلاتی اساسی در ساختار فنی آن وجود دارد. پیش تر مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان مسئولان پتروشیمی مارون ماهشهر را در گزارش تکمیلی این اداره درباره آتش سوزی در این پتروشیمی و مرگ شهرام محمدی مقصر دانسته بود. هوشمند صفایی درباره گزارش اداره کل کار استان خوزستان درباره حادثه پتروشیمی مارون تاکید کرده است که این حادثه تلفات جانی داشته و بخش بازرسی اداره کل استان بایستی گزارشی تکمیلی ارائه می داده که این گزارش اکنون کامل شده و براساس آن گاز هگزان موجود در درون لوله های خط در دست تعمیر عامل حادثه پتروشیمی مارون شناخته شده است. براساس این گزارش پتروشیمی مارون مسئولیت این حادثه را بر عهده دارد و باید پاسخگو باشد. مدیر اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی خوزستان در توضیح مستندات این گزارش درباره این حادثه گفت: «در زمان حادثه پرسنل تعمیرات برای تعمیر این خط مشغول به کار بودند در حالی که به آن ها اعلام نشده بود که خط تحت فشار است. در نتیجه گاز از لوله ها فوران می کند و انفجار روی می دهد.» به گزارش آتیه نو، شهرام محمدی، کارگر قربانی پتروشیمی مارون، سرپرست دو خانواده بوده است. علاوه بر زن و فرزندانش، خود، سرپرستی سه خواهر و دو برادر خود را نیز به عهده داشته است. فرزند بزرگ وی هشت سال و کوچک ترین آن ها شش ماه دارد. بنا به اظهار نظر خانواده وی، وضعیت مستمری این کارگر کمتر از یک میلیون تومان برآورده شده است که با وجود سه وام و بدهی ماهیانه حدود ۷۰۰ هزار تومان در ماه به بانک، وضعیت ناسامانی برای خانواده این کارگر فداکار به وجود خواهد آمد که نیازمند توجه ویژه مسئولان است.

نفت و پتروشیمی پایین آمده است. بسیاری از نیروهای رسمی و آزمون دیده از شرکت های نفت و پتروشیمی منفک شده اند و نیروهای غیر رسمی استخدام شده اند. برای مثال شهرام محمدی و چند مورد قبل تر نیروی پیمانکار بودند. دو سال قبل، پیش از آنکه بحث خصوصی سازی به این شکل مطرح شود، پتروشیمی ها نیروی انسانی را استخدام می کردند تا به صورت کارآموز دوره ببینند و سپس کنار نیروهای حرفه ای کار کنند و آماده حضور در عرصه و واحد مورد نظر شوند. ولی در حال حاضر این نیروهای رسمی جابه جا می شوند، تعداد دیگری را فراخوان می دهند و بعد رویه ای مثل آقای محمدی را استخدام می کنند. او فقط یک کار می کرده و قبل از این در بخش تاسیسات مربوط به «کسترور» بوده است، ولی در این شرایط او خطر می کند و به خاطر روحیه از جان گذشتگی پالایشگاه رانجات می دهد. به گزارش آتیه نو، بعد از وقوع حادثه و مرگ شهرام محمدی، بیژن زنگنه وزیر نفت در پیام تسلیتی بر نظارت و حراست بیشتر دولت بر شرکت های خصوصی تحت حاکمیت تاکید کرد. این اظهارات در حالی بیان شده است که کارشناسان معتقدند فرایندهای فنی و عملیاتی در بخش مرتبط با پتروشیمی مارون مشکل داشته است. مدیران میانی بیشترین ضعف را دارند، چرا که مدیران ردیال هیچ وقت دستور کار نالایم به کارگران را صادر نمی کنند، اما برخی مدیران میانی در هوای گرم شهر ماهشهر به جای حضور در سر کار ترجیح می دهند به

داستان جلد COVERSTORY

داشته باشند و بیرون از محوطه آتش نشان باید بالای سسر کار آماده باشند. حتی در مواردی که گاز نشتی دارد، باید با آب محل نشتی را پوشش دهند تا جرقه نزنند.» رئیس حراست مخابرات

خطوط لوله های نفت ایران معتقد است: «اگر این مسائل رعایت شود، تعداد حوادث پایین می آید، اما در تاسیسات گسترده نفت و پتروشیمی کشور با وجود رعایت این مسائل و مجموعه تمهیداتی که اندیشیده می شود، حوادث بسیاری رخ می دهد. در مارون پیش از مرگ آقای محمدی چهار مورد دیگر انفجار و آتش سوزی داشتیم. قطعا به نسبت استاندارد ایمنی کارگران در اروپا حوادث بیشتری داریم.» وی به دلیل اصلی مشکل خطرات ایمنی برای کارگران اشاره کرد و گفت: «شرکت ها وقتی خصوصی شدند، کمتر نظارت روی آن ها صورت گرفت و در این میان بحث سوددهی شرکت ها ایمنی کارگران را پایین آورد. این اتفاق نباید رخ می داد ولی رخ داده است. برای نمونه اگر نیروی انسانی متخصص سر کار حاضر باشد، دیگر نیازی نیست توضیح داده شود که آن لحظه حادثه برای آقای محمدی جرقه ایلی حق نداشته در این وضعیت و در این شرایط باشد اما به خاطر پایین آوردن هزینه ها هم زمان چند کار در حال انجام بوده است.»

■ ایمنی کارگران پایین آمده است
بنابر این گزارش، طبق آمارها، استانداردا ایمنی کارگران در شرکت های

آزاد دیگ

در لحظه بسته شدن لوله اصلی گاز، جرقه حاصل از روشن بودن جرقه ایلی و نشتی گاز شهرام محمدی را در آتش گرفتار کرد که می توانست با اندکی مدیریت فنی و پیش بینی خطرات احتمالی شعله ور نشود. رسانه ها به شهرام محمدی صفتی دادند که رسانه های ۵۰ سال پیش به دهقان فداکار داده بودند.

پیشگیری از ابعاد هولناک حوادث ناشی از کار

طور کلی حوادث ناشی از کار علت واحدی ندارند و معلول علل فنی و انسانی هستند. این علل بستگی به نوع کار، محیط و شرایط انجام کار دارد. می توان آن را به دو دسته علل مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد، که در ایران نیز براساس آخرین آمار و اطلاعات سال ۱۳۹۳ سازمان تامین اجتماعی، تعداد حوادث ناشی از کار برای بیمه شده ۱۸ هزار و ۱۱۶ نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۹۲ کاهش در حدود ۵ درصد را نشان می دهد. موارد دیگری هم هست. پیشگیری از حوادث ناشی از کار، یا علاج واقعه قبل از وقوع آن قولی است که تمام صاحب نظران و دست اندرکاران مسائل کار و کارگری به آن اعتقاد دارند و در قرن اخیر با گسترش و پیشرفت روزافزون ماشین آلات و صنعت در کلیه شئون اقتصادی اهمیت این نکته بیش از پیش مشخص شده است. آثار زبان بار و بعضا هولناک حوادث ناشی از کار بر نیروی انسانی و سرمایه های

اجتماعی و اقتصادی جامعه می شود. از نظر اقتصادی حوادث به هر صورت و هر درجه برای کارفرما، کارگر و جامعه زیان های هنگفتی در بر دارد. این زیان ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم هستند. از زیان های مستقیم می توان از خسارت های ناشی از قطع کار در اثر حادثه، هزینه های درمانی و سرانجام خسارت های پرداختی در مورد از کار افتادگی موقت یا فوت نام برد. در محاسبه زیان های غیرمستقیم، که ابعاد آن در تمامی کشورها بیش از زیان های مستقیم است، باید زیان های ناشی از وقفه در کار سایر کارگران به علت کمک کردن به کارگر مصدوم، بحث و گفت و گو در مورد علت وقوع حادثه، به هم ریختن نظم کارگاه یا کارخانه، انتقال به بیمارستان، پیدا کردن فرد مناسب جایگزین، خسارت وارد آمده به ماشین آلات و در نهایت خسارت ناشی از فعالیت کارگر مصدوم پس از برگشت در صورت معلولیت مورد توجه قرار داد. مطالعات و بررسی ها نشان می دهد که به



هر ساله در جهان ده ها میلیون کارگر دستخوش حوادث ناشی از کار می شوند، و این حوادث ولو جزئی، سبب درد و ناراحتی شخص کارگر و خانواده اش می شود. بدیهی است در صورتی که حادثه شدید باشد و منجر به مرگ یا از کار افتادگی دائمی شود این مسئله اهمیت بیشتری هم پیدا می کند. از نظر اجتماعی نیز از آنجا که پیشرفت و ترقی هر اجتماعی بستگی به نیروی کار و افراد جامعه دارد، محصول کار هر کارگر نه تنها مایه امرار معاش زندگی خود و خانواده اوست، بلکه سرمایه و پشتوانه اقتصاد یک جامعه نیز هست. حال اگر از این تعداد، عده ای به علت حوادث ناشی از کار نتوانند کار خود را انجام دهند این امر سبب بروز مشکل در وضع

مدیر کل بازرسی کار و دبیر شورای عالی حفاظت فنی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی